یادداشت روز

# وزارت خارجه ما چرا...؟

**غرب و به تعبیر دیگر چهار کشـــور آمریکا، انگلیس، فرانسه و آلمان طی هفته اخیر دو اقدام را درخصوص ایران به اجرا گذاشتند که هر دو در یک مسیر و توأم با نوعی باج‌خواهی بود. اما «ادبیات» -و نه محتوای- این دو با هم متفاوت بودند. ســـه کشور انگلیس، فرانســـه و آلمان پیش‌نویس قطعنامه‌ای را به شورای حکام سازمان بین‌المللی انرژی اتمی داده و مدعی شدند ایران در دسترسی مأموران آژانس به دو مرکز مورد درخواست، مانع ایجاد کرده و به طور کلی در یک سال اخیر سطح همکاری‌های خود را کاهش داده است. و سپس خواسته‌اند که ایران به روال پیش از این برگردد وگرنه مکانیسم ماشه مندرج در برجام را فعال نموده و بار دیگر پرونده ایران را به شورای امنیت سازمان ملل می‌برند. این اقدام و قطعنامه بالنسبه اجماعی که صادر شد بدون شک دشمنی با ملت ایران بود. اما با این وجود در داخل کشور آنچنان‌که باید مورد توجه قرار نگرفت و یک جریان سیاسی عمداً آن را نادیده گرفت. در این خصوص گفتنی‌هایی وجود دارد:**

**۱- چه با توافق «برجام» موافق و چه مخالف باشـــیم، با خروج آمریکا از برجام و واگذاشته شدن تعهدات از سوی طرف‌های اروپایی و در نهایت خروج گام به گام ایران، برجام به پایان رسیده و دیگر صحبت کردن از آن موضوعیت ندارد مگر آنکه پای بحث از تاریخ به‌میان باشـــد در این میان اروپایی‌ها در عین آنکه می‌داننـــد با بدعهدی آمریکا و خود آنان، برجام به تاریخ پیوسته اســـت، در عین حال خلاف آن را وانمود می‌کنند یعنی مدعی‌اند برجام وجود دارد و آنان تلاش خود را معطوف به ادامه حیات آن کرده و می‌کنند و ایران نیز باید هر گامی که در جهت کاستن از تعهدات خود برداشته، به عقب بازگردد. این به نفع غرب است چرا که در چنین شرایطی اگرچه ایران به طور واقعی، عینی، ملموس و قابل اندازه‌گیری تعهداتی را پذیرفته و به آن عمل می‌کند، اروپایی‌ها راجع به مقوله‌ای مبهم داد سخن می‌دهند بدون آنکه هیچ تعهدی متوجه آنان باشد. اروپایی‌ها ۱۴ ماه به همین صورت سپری کردند و مایل‌اند الی‌الابد همین راه را ادامه دهند! قطعنامه حدود یک هفته پیش آژانس انرژی اتمی بر این اساس و با اجماع نسبی آراء به تصویب رسید و حال آنکه در روزی که دو طرف به سمت توافق موسوم به «برنامه جامع اقدام مشترک» رفتند، قرار بود ادعای جدیدی مطرح نشود و پرونده ایران بسته شود و بر این اساس هم قطعنامه ۲۲۳۱ صادر شد و در آن به پایان مباحث ادعایی اشاره شد. الان آژانس به نمایندگی از شورای امنیت و به تعبیر درست‌تر به نمایندگی آمریکا، انگلیس، فرانسه و آلمان مسیر را به نقطه صفر برگردانده و نه تنها خواستار عقب‌نشینی ایران از حقوق خود -یعنی تعلیق تعهدات در صورت ترک تعهدات از سوی مقابل- شده بلکه از ایران می‌خواهد که راه را برای تحقیقات جدید براســـاس ادعاهایی که رژیم اسرائیل -که عضو پروتکل‌های هسته‌ای نیست- مطرح کرده، هموار کند. یعنی روز از نو روزی از نوا یعنی نه ما با تحمل ضررهای ناشی از امضای برجام، حتی به حداقل سودی رسیده‌ایم و نه ادعا علیه برنامه هسته‌ای ایران به سرانجامی رسیده است!**

**۲- رفتار دولت در این موضوع جای تأمل بســـیار دارد و البته الان ما نمی‌خواهیم تیم مذاکره‌کننده ایرانی را مورد پرسش قرار بدهیم که این چه قرارداد دوطرفه‌ای است که یک طرف آن، علی‌رغم تحمل «ضرر مطلق»، قادر به صحبت کردن از حقوق خود هم نیســـت و بدتر از آن اینکه طرفی که از اجرای تعهدات ما به حداکثر سود رسیده است، حالا علی‌رغم آنکه خود به حداقل تعهدات هم عمل نکرده به دنبال تحمیل تعهدات یکطرفه بیشتری است؟ اما ما فعلاً به این بحث کاری نداریم.**

**سؤال ما این است که چرا وزارت امور خارجه ایران به اقدام متقابل دست نمی‌زند و مثل موجودی که براســـاس حادثه، حافظه خود را از دست داده، عمل می‌کند؟ آیا جا نداشت روزی که خبرها بیانگر آن بود که پیش‌نویس قطعنامه‌ای از سوی سه دولت انگلیس، فرانسه و آلمان تهیه و آماده ارائه در صحن آژانس است، وزارت امور خارجه ما سفرای این سه کشور را احضار و به آنان بگوید که صدور قطعنامه منجر به «اقدام» متناسب -مثلاً خروج ایران از پروتکل الحاقی- می‌شود؟ و چرا به اظهارات رسانه‌ای بسنده کرد؟ آیا اگر ما یک ابتکار عمل را روی میز آژانس می‌گذاشتیم، باز هم این سه کشور به خود جرأت ورود به بحث هسته‌ای ایران را می‌دادند؟ چرا وزارت خارجه از این وظیفه خیلی عادی که تأمین‌کننده منافع ملی ایران است، چشم پوشید؟ آیا می‌توانیم بپذیریم که در اینجا صرفاً نوعی نسیان اتفاق افتاده و چیز دیگری مطرح نبوده است؟**

**وزارت خارجه ما در این صحنه از اقدام عملی بازدارنده خودداری کرده ولی در سطح رسانه واکنش قاطعی نشان داده است! چرا؟ آیا وزارت خارجه ما در پوســـت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و یا در پوست صدا و سیما رفته است؟ در این صورت چه نهادی باید کار وزارت خارجه را انجام دهد؟ آیا اظهارات رسانه‌ای در فضای بی‌عملی برای «اقناع داخلی» صورت نگرفته است؟ به این معنا که وزارت خارجه در شرایطی که در عمل، وظیفه حساس خود را وانهاده است به شهروندان وانمود می‌کند که «به‌شدت» مخالف آن چیزی است که در عمل روی داده است!**

**وزارت امور خارجه ما در عین حال با عدم اقدام متقابل در واقع می‌گوید هنوز ناامید نیســـت و درصدد است تا در مذاکره با همین «پررروهای وقیح اروپایی» گامی در جهت رفع مشکلات کشـــور بردارد و به عبارت دیگر آیا وزارت خارجه ما هنوز معتقد است، ایران برای احیاء برجام باید قیمت بالاتری بپردازد؟ و حالا سؤال این است که آیا همین بی‌عملی‌ها نیست که سبب پررویی اروپایی‌ها شده است و آیا ادامه همین روند سبب پررویی‌های بعدی آنان نمی‌شود؟**

**۳- ما در این صحنه یعنی صدور قطعنامه شاهد رأی مثبت کشورهایی نظیر کویت و رأی ممتنع کشورهایی نظیر پاکستان بودیم! همه می‌دانند که دو کشور کویت و پاکستان روابط تاریخی با ایران داشته و هر کدام در برهه‌های حساس تاریخی به طور مؤثری مورد حمایت ایران واقع شده‌اند و در طول تاریخ شاهد هیچ رخداد منفی از سوی ایران علیه این دو کشور نبوده‌ایم.**

**در اینجا سؤال ما این است که این چه وزارت خارجه‌ای است که علی‌رغم روابط تاریخی گسترده و در اختیار داشتن بزرگ‌ترین سفارت‌خانه‌ها در این دو کشور و هزینه‌های بسیار در فعال نگه‌داشتن این سفارت‌خانه‌ها، قادر به جلب نظر کشورهایی نظیر پاکستان و کویت هم نیست و رأیی که قطعاً با یک مذاکره می‌توانست مخالف باشد، به موافق قطعنامه ضدایرانی تبدیل شده است! این درحالی است که موضوع مورد بحث چیزی بوده که هیچ تصادمی با منافع ملی و امنیت این دو کشور و کشورهایی از این نوع هم نداشته است. حالا سؤال این است که وقتی وزارت خارجه ما قادر به حل مسئله‌ای به این سادگی نیست، چطور می‌تواند در حل موضوعاتی پیچیده‌تر موفق باشد؟**

**البته ما می‌دانیم که این دو کشور و کشورهای دیگری از این دست، برای رأیی که می‌دهند دلایلی داخلی و یا ملاحظاتی بین‌المللی و منطقه‌ای دارند. این کاملاً طبیعی است. آنچه غیرطبیعی و موجب تأسف است این است که چرا وزارت خارجه ما نتوانسته دو کشور دارای روابط دیرینه با ایران که از قضا در همسایگی جمهوری اسلامی نیز قرار دارند را متقاعد کند که رأی موافق یا ممتنع به این قطعنامه برای منافع ملی آنان ضرر داشته و این ضرر را با بیان دیپلماتیک تشریح کند؟**

**۴- طرف پررو و وقیح اروپایی برای آنکه شـــرایط بین ایران و غرب را مدیریت کند، کمی بعد از صدور قطعنامه باج‌خواهانه آژانس، در بیانیه‌ای وانمود کرده که به برجام و ازجمله منافعی که برای ایران دارد، پایبند است و در این میـــان در داخل ایران هم عده‌ای در حالی که خبر اول را به طور کلی بایکوت کرده‌اند، خبر دوم را با عنوان نشانه‌ای از احتمال موفقیت در مذاکره بین ایران و غرب برجسته‌سازی کرده‌اند!**

**واقعیت این اســـت که غرب و به خصوص سه کشور اروپایی، توانایی اعمال فشـــار به ایران را ندارند و به طور واقعی کاری از آنان علیه ایران ساخته نیســـت. آنان همزمان با صدور قطعنامه ضدایرانی، آژانس نگران واکنش ایران بوده و احتمال قوی داده‌اند که جمهوری اســـلامی دست به کاری خسارت‌بار علیه آنان می‌زند و لذا بهتر این است که فضای بین ایران و اروپا قدری تلطیف شود و یا گمان کرده‌اند که با صدور قطعنامه آژانس، حیثیتـــی برای طرفداران مذاکره و توافق بین ایران و غرب باقی نمی‌ماند و این ســـبب ناتمام ماندن پروژه تسلیم ایران می‌شود و لازم است که به طرف ایرانی روحیه داده شود! هر کدام از این دو دلیل که در میان اعضای ترئیکای اروپایی مطرح باشد، در واقع برگ دیگری از خباثت آنان است و خود این نشان می‌دهد، ما باید این دندان کرم‌خورده «توافق» را کشیده و خود را از آن خلاص کنیم و از این طریق شرایطی را فراهم نمائیم که هر یک از کشورهای اروپایی و از جمله «ترئیکای هسته‌ای» که می‌خواهند با ایران به توافق برسند، به طور انفرادی جلو آمده و در شرایط کاملاً برابر در قبال تعهدات ما، تعهداتی را بپذیرند و توأمان اجرا کنند. ایران آن‌قدر بزرگ و مهم هســـت که پس از شکسته شدن ائتلافات کنونی، کشورهای اروپایی در رفت و آمد با آن، با یکدیگر مســـابقه بگذارند. چرا ما با مواضع ضعیف و عدم اقدام عملی سبب تداوم ائتلاف آنان علیه خودمان می‌شویم و چرا نباید نسبت به چنین رویه‌ای مشکوک باشیم.**

**سعدالله زارعی**

# قطعنامه ضدایرانی یا عذرخواهی اروپا کدام را باور کنیم؟!

**چنـــد روز پـــس از تصویب قطعنامه ضدایرانـــی تروئیکای اروپا در شـــورای حکام آژانس، رئیس‌جمهور در اظهار نظری قابل تامل گفت اروپایی‌ها شـــرمنده هستند و از ما عذرخواهی می‌کنند!**

دیـــروز آقای روحانی در جلســـه هیئت دولت گفـــت: اروپایی‌ها خیلی شرمنده ما هستند زیرا به وظایف قانونی خود در برجام عمل نکرده‌اند. آنها تلفنی و حضـــوری از ما عذرخواهی می‌کنند اما آنها هم نباید خـــود را آلوده کنند ما چنین توقعی از کشورهای اروپایی نداریم. چین و روسیه در رابطه با بیانیه اخیر آژانس انرژی اتمی خیلی خوب، قاطع و حقوقی عمل کردند. اروپا هم نباید زیر فشار آمریکا برود. آژانس انرژی اتمی هم باید استقلال خود را حفظ کند و رئیس‌آژانس باید بداند آبروی آژانس برای نظام بین‌المللی اهمیت دارد. ایران همچنان آماده است تا نظارت آژانس را بپذیرد و با آژانس در چهارچوب مقررات همکاری داشته باشد.

متاسفانه دولتمردان همچنان در حال بزک اروپای عهدشـــکن هستند. پیش از این و در شـــرایطی که اروپا به هیچ عنوان تعهـــدات برجامی خود را انجام نداده بود، روحانی در اظهارنظری تأمـــل برانگیز گفته بود «اروپا پشـــت ماســـت»!، ظریف نیز در اظهارنظری تأمـــل برانگیـــز گفته بـــود «حمایت اروپـــا از برجام، بیـــش از انتظار بوده است»!.

ایـــن اظهـــارات شـــبیه توجیـــه عهدشکنی آمریکا در سال‌های گذشته توســـط معـــاون وزیر خارجه اســـت. عراقچـــی پیش از این در توجیه نقض فاحش برجام توسط آمریکا گفته بود «هنوز تا نقض فاحـــش برجام فاصله داریم»!

اروپا علیرغم بی‌عملی در برجام در روزهای گذشته در اقدامی که تحسین مقامات آمریکایی و رژیم صهیونیستی را نیز در پی داشـــت، مقدمات تصویب قطعنامه ضدایرانی در شـــورای حکام آژانس انرژی اتمی را مهیا کرد.

آقـــای روحانـــی گفته اســـت که اروپایی‌هـــا بارها از ایـــران عذرخواهی کرده‌اند. یک سؤال؛ مگر تعهد اروپا در برجام، عذرخواهی کردن بوده است؟! اروپا ۱۱ تعهد در برجام داشـــت که به هیچ عنوان به آن عمل نکرده است.

این قبیـــل اظهارات طرف بدعهد غربی را بر تشـــدید گستاخی، ترغیب خواهد کرد. متاسفانه دولتمردان بارها از موضـــع ضعف و انفعال این پالس را به طرف مقابل داده‌اند که دولت ایران تحت هر شرایطی در برجام خواهد ماند و هیچگاه از توافق خارج نخواهد شد.

اروپایی‌ها صراحتا اعلام کرده‌اند که در مسئله ایران با آمریکا دارای هدف مشـــترک بوده و فقـــط در روش‌های رسیدن به این هدف، با یکدیگر اختلاف نظر دارند. اروپایی‌ها به صورت علنی و در میدان، قطعنامه ضدایرانی تصویب کرده‌اند. در این سو، روحانی می‌گوید طـــرف اروپایی از ایـــران عذرخواهی کرده و شرمنده است. قطعنامه آشکار ضدایرانی را بـــاور کنیم یا عذرخواهی در خفا؟!

**لفاظی پمپئو**

وزیر خارجه آمریکا مدعی شد که با انقضای تحریم تسلیحاتی علیه ایران در ماه اکتبر و خرید جنگنده‌های جدید از چین و روسیه توسط تهران، اروپا و آسیا در تیررس ایران خواهد بود.

مایک پمپئـــو، وزیر خارجه دولت تروریست آمریکا در تلاشی مذبوحانه برای تشدید ایران هراسی در منطقه و جهان با انتشار یک پیام در توئیتر مدعی شد: اگر تحریم تسلیحاتی سازمان ملل علیه ایران در ماه اکتبر منقضی شود، ایران قـــادر خواهد بـــود هواپیماهای جنگنده جدیدی همچون سوخو-۳۰ از روسیه یا جی -۱۰ از چین خریداری کند. با [وجود] این هواپیماهای بسیار مرگبار، اروپا و آســـیا در چنگ ایران خواهند بـــود. [اما] آمریکا هرگز اجازه نمی‌دهد این اتفاق بیفتد.

**تغییر موضع دموکرات‌ها**

یک رســـانه انگلیســـی مســـتقر در «هنگ‌کنـــگ» بـــا تحلیل مواضع اخیـــر سیاســـتمداران دموکـــرات در آمریکا نوشـــته آنهـــا موضع خود درباره بازگشـــت به برجـــام را تغییر داده‌اند.

پایگاه «آسیاتایمز» نوشته بعد از خروج «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهور آمریکا از برجام «جان کری» در دیداری بـــا وزیر خارجه ایران به او گفته تهران برای حفظ برجام کافی اســـت تا زمان به پایان رسیدن دوران ریاست‌جمهوری ترامپ صبر کند.

این پایگاه نوشـــته اســـت: به نظر می‌رســـد ایران به این راهبرد از عمق جان پایبند بوده اســـت. اما در صورتی که دموکرات‌ها در ماه نوامبر کنترل کاخ سفید را به دست بگیرند بعید است که توافق هسته‌ای را احیا کنند.

آســـیاتایمز نوشته دموکرات‌ها دو ســـال پیش با خروج آمریکا از برجام مخالفـــت کردند، با ایـــن حال به نظر می‌رســـد اکنون موضعشـــان را تغییر داده‌اند.

این رسانه انگلیسی‌زبان خاطرنشان کرده یکی از سردمداران این چرخش موضع،جیک ســـالیوان، مشاور سابق «جو بایـــدن» در امور امنیت ملی و از دستیاران هیلاری کلینتون است.

جیک ســـالیوان یکی از طرفداران سرســـخت برجام و از جمله مخالفان تصمیـــم ترامـــپ برای خـــروج از آن بود. او در آن زمـــان در مقاله‌ای برای «آتلانتیک» نوشت تحریم‌ها علیه ایران تنها در صورتی موفق خواهند بود که از حمایت جهانی برخوردار باشـــند و بتوانند حمایت شریکان تجاری ایران را جلب کنند.

آســـیاتایمز در ادامه نوشـــته این دیدگاه اواشتباه از آب درآمده و او یک سال بعد در مقاله‌ای مشترک با «بیل برنز»، مقام ســـابق حـــزب دموکرات اعتراف کرد که «فشار اقتصادی ناشی از تحریم‌های یکجانبه آمریکا قابل‌توجه‌تر از آن چیزی بـــوده که آنها پیش‌بینی می‌کرده‌اند.» سالیوان در سخنانی در ماه مه در اندیشـــکده هادسون یک بار دیگـــر این موضع را تکرار کرد و گفت تحریم‌ها علیه ایران «قدرت دلار و نظام مالی آمریکا را نشان داده است».

سالیوان و بیل برنز هیچ‌کدام اخیراً دربـــاره ایران اظهارنظـــر نکرده‌اند اما آسیاتایمز نوشـــته احتمالاً موضع آنها سخت‌گیرانه‌تر هم شده باشد.

چند روز پیش از این هم، «آنتونی بلینکن»، یکی از مشاوران «جو بایدن» بر حفـــظ تحریم‌ها علیه ایران تا زمان رسیدن به توافق هسته‌ای «قوی‌تر» با ایران تأکید کرد.

بلینکن در ادامه گفته که به دنبال «توافقـــی قوی‌تر» با ایران خواهد بود: «اگر ما به پایبندی [به برجام] برگردیم از این مســـئله به همراه شـــریکان و متحدانمـــان که بار دیگـــر در موضع یکســـانی با ما قرار می‌گیرند به عنوان ســـکویی اســـتفاده خواهیم کرد تا به مذاکره بر سر توافقی طولانی‌مدت‌تر و قوی‌تر بپردازیم».

توافق «طولانی مدت» و «قوی‌تر» از جمله اصلی‌ترین خواسته مخالفان توافق هسته‌ای برجام از جمله دونالد ترامـــپ بود. ترامپ دو ســـال پیش با بیان اینکه برخی از مفاد توافق هسته‌ای برجام منقضی می‌شـــوند به مشارکت آمریکا در این توافق پایان داد و گفت به دنبال دســـتیابی به توافقی قوی با محدودیت‌های هســـته‌ای دائمی علیه ایران است.

خبر ویژه

## ساعت خواب! تضمین را باید از اوباما می‌گرفتید نه ترامپ

حســـین علایی می‌گوید باید با ترامپ مذاکره می‌کردیم و پرچم مذاکره را از دست او می‌گرفتیم(!)

وی به روزنامه اعتماد گفت: دیدگاه شـــخصی من این است که به‌محض آنکه دونالد ترامپ حرف‌زدن درباره خروج از برجام را شـــروع کرد و درخواســـت مذاکره کرد، ایران می‌توانست دستور کاری برای مذاکرات با آمریکا تعیین کند تا این حربه را از دست او بگیرد. برای مثال موضوع اول این دستور کار می‌توانست این باشد که دولت ترامپ چه ضمانتی برای دوام توافق جدید در دولت‌های بعد از خود می‌دهد؟ ســـوالی که طرف ایرانی باید روی میز مذاکره می‌گذاشت این بود که اگر با شما به توافق رسیدیم چه ضمانتی وجود دارد که رئیس‌جمهور بعدی آمریکا رفتار شما را با توافقنامه‌ای که با شما امضا می‌کنیم تکرار نکند و از آن خارج نشود؟

ایران باید ابتکار درخواســـت مذاکره را از دست دونالد ترامپ می‌گرفت و اجازه نمی‌داد که او پرچم مذاکره را در دست بگیرد و همزمان فشارهای تحریم‌های شدید را بر ایران شروع کند.

وی افزوده اســـت: ما نمی‌گفتیم که بر ســـر برجام مذاکره می‌کنیم بلکه اصل مذاکره را قبل از خروج ترامپ از برجام می‌پذیرفتیم تا ظرفیت خروج از برجام را از آمریکا بگیریم. می‌پذیرفتیم که با آمریکا درباره ابهامات و نظراتی که پیرامون برجام دارد، گفت‌وگو کنیم. بعد از آن هم در مذاکره می‌گفتیم که نخستین دستور کار این است که اگر درباره هر موضوعی به هر نتیجه‌ای رسیدیم چه تضمینی وجود دارد که در آینده دولت‌های بعدی آن را به هم نریزند؟ البته این به مفهوم رسیدن به توافق نیست بلکه گرفتن پرچم مذاکره از دست ترامپ است.

این سخنان علایی در حالی است که حتی آقای روحانی با همه خوش‌بینی‌هایش، در واکنش به دعوت دولت ترامپ به مذاکره مجدد گفت کشورها مگر دیوانه شده‌اند؛ شما می‌گویید به توافقی که بسته‌ایم پایبند نمی‌مانید اما بیایید مذاکره کنیم.

اکنون باید از علایی پرســـید هدف از برجام، مذاکـــره برای مذاکره و واگذاری امتیاز بود یا به قول آقای روحانی توافق برد- برد؟! اگر دولت ترامپ به مدت دو سال اجرای برجام را برخلاف تعهد دولت آمریکا نقض کرده بود، مذاکره با او چه خاصیتی داشت؟ یعنی مثلاً در دنیا کسی تردید دارد که دولت آمریکا صداقت نداشت و تعهد خود را - که در قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت هم تأیید شده بود - زیرپا گذاشت؟!

وقتی دولت روحانی (مورد حمایت علایی) همه امتیازات را در برجام نقداً ظرف ۳ ســـال واگذار کرده بود، برای چه به‌جای مطالبه تعهدات طرف مقابل، وارد دالان پیچ در پیچ و بی‌سرانجام مذاکرات جدید- که عملاً به مفهوم پذیرش بطلان برجام و عدم اجرای آن از ســـوی طرف مقابل بود- وارد می‌شد؟! ضمناً ضمانتی که آقای علایی می‌گوید باید از دولت ترامپ سؤال می‌شد، همان گم شده متن برجام است که از سوی صاحب‌نظران منتقدان هشدار داده می‌شد اما امثال آقای علایی آن روز (به هنگام انعقاد برجام) چشم بر هشدارها بسته بودند و فقط از تسریع روند توافق (به هر قیمت) حمایت می‌کردند!

همچنین باید پرسید صرف مذاکره، می‌شد مانع از عدم اجرای تعهدات شد و حال آنکه حتی دولت اوباما هم حین مذاکره به اعمال تحریم‌های جدید اهتمام داشت و هم پس از انعقاد برجام، تحریم‌ها را در حوزه ویزا و تحریم‌های کاتسا و آیسا توسعه داد.

## ادعای روحانی درباره وعده‌ها و رازی که معاون وی فاش کرد

ســـخنان رئیس‌جمهور مبنی بر اینکه «وعده‌هایی که در ســـال ۹۵ دادم برای شرایط آن زمان بودند، با واکنش گسترده کاربران در فضای مجازی مواجه شده است.

جهان‌نیوز، اظهارات روحانی را به نظرسنجی مخاطبان خود گذاشته است؛ که بخشی از این نظرات را می‌خوانید:

- درستش اینه؛

روحانی: وعده‌هایی که من در سال ۹۵ دادم، برای رای آوردن بود.

- خوش‌خیالی و ساده‌اندیشی و اعتماد به وعده‌های پوچ دشمن که تدبیر نیست. کســـی که شعار تدبیر می‌دهد اگر دروغ و عوام‌فریبی نباشد باید تمام شرایط را در نظر بگیرد و بعد وعده دهد.

- زیباکلام: روحانی حتی یک وعده خود را عملی نکرده است.

- ظریف: قبل از برجام از الان بیشتر نفت می‌فروختیم.

- آن کسانی که می‌گفتن امضاء جان کری تضمین است!!!! باید در مورد شکست برجام پاسخگو باشند.

- اعتماد بی‌چون و چرا به غرب و گره زدن حل مشکلات کشور به نتیجه مذاکرات موجب غرور و سرمستی کاذب گردید و همین موضوع باعث شد که وعده‌های داده شده، توخالی باشد.

- بعد از روحانی همه به خودشون امیدوار شدند که می‌تونند رئیس‌جمهور بشند و کشور رو بهتر اداره کنند، روحانی امید را در دل همه زنده کرد.

- واقعا استاد هستن ایشون در زمینه بازی با افکار عمومی، دلار و سکه رکورد تاریخ ایران رو زده بعد این داره میگه سال ۹۵ فلان و بسار...

- باید به ایشان گفت: پس آرایی که مردم هم به شما دادند برای همان زمان بود و الان اعتبار ندارند و شما دیگر نمی‌توانید رئیس‌جمهور باشید.

- اگر وعده‌ها پس از ســـالی بی‌اعتبار می‌شود رای مردم هم پس از سالی باید بی‌اعتبار و رئیس‌جمهور به کنار گذاشته شود!

- خـــب بفرمایید چند درصد از وعده‌هایتان عملی شـــد؟ آیـــا نباید کمی از وعده‌هایتان عملی می‌شد.

- وعده‌هایی که عملی شد: دلار ۲۰ تومن، مسکن نجومی، بیکاری اصلا نداریم، فقر ریشه‌کن شده، حیف و میل اموال دولتی ابدا، ترویج بی‌بندوباری هیچ، هنوز هم جمعه نشده از این مطالب مطلع شویم!!

- باید به جنابشـــان گفت، آن عده هم که به شما رای دادند رای‌شان بر اساس شـــرایط آن زمان بود؛ حالا که آن وعده‌ها محقق نشده، لطف کرده خودتان جلوی ادامه خسارت‌بار هر روزه این دولت را بگیرید.

- آخه عزیز شرایط الان هم حاصل تدبیر شماست.

- یکی از جملات تامل‌برانگیز و خسارت‌بار و کشورافکن تاریخ ایران از زبان وزیر خارجه شما این است: امضای دشمن (کری) تضمین است.

- اگر این‌طوری باشـــه که گفتن پس کجا رفت تدبیر؟ کجا رفت امید؟ کلید همه‌کاره چه شد؟

- خودت بگو به چی دولتت دل‌خوش کنیم، خودت بگو.

سخنان اخیر روحانی در حالی است که لعیا جنیدی معاون حقوقی رئیس‌جمهور خرداد سال گذشته در اظهاراتی عجیب و در پاسخ اعتراض‌ها به وعده‌های توخالی دولت گفته بود: شما انتخابات بدون وعده در دنیا سراغ دارید؟ آن‌وقت دیگر انتخابات نمی‌شود! مگر می‌شود بگویی در انتخابات شرکت می‌کنم اما کار خاصی نمی‌توانم انجام بدهم؟!

## هنوز هم بعد از ۲ سال منتظرید اروپا اینستکس را راه‌اندازی کند؟!

معاون اقتصادی وزیر خارجه گفت: قرار بود در اینســـتکس بتوانیم صادرات و واردات داشته باشیم اما عملی نشد.

انصاری در گفت‌وگو با روزنامه شرق و در پاسخ این سوال که آیا ظرفیت اینستکس برای تبادلات مالی ایران پاســـخ‌گو بوده است؟ اظهار داشت: بالاخره اروپایی‌ها دور هم جمع شـــدند و اینستکس آغاز به کار کرد. ســـوال این است که آیا اینستکس پاسخ‌گوی توافقات ما بوده؟ خیر. ما در اینستکس قرار بود بتوانیم صادرات و واردات داشته باشیم و یکی از منابع مهم ما نفت بود که بتوانیم نفت بفروشیم که این اتفاق نیفتاد. یک اینستکس خیلی دست و پا شکسته درست شد، اولین مبادله مالی را هم انجام داد که یک مجموعه دارویی بود. یک شرکت ایرانی بود که با شرکت خارجی مراوده داشتند و از کانال اینستکس که سازوکار مالی پیش‌بینی کرده بودند، انجام شـــد. امکان ادامه هم هست. رضایت ما این نیست که در این سطح مراودات انجام شود. معتقدیم اینستکسی می‌تواند موثر باشد که ادامه داشته باشد و در انواع کالا باشد نه فقط در حوزه دارو و موادغذایی. همه علاقه‌مندیم که اینستکس فعال شود.

وی افزود: آنها هم به ما گفته‌اند آغاز از اینجاست. ما هم می‌گوییم موافقیم به شـــرط اینکه ادامه راه راضی‌کننده طرف ایرانی و اروپایی باشد. اینکه چقدر بتوانند اجرا کنند باید در عمل مشخص شود، اما همچنان آمادگی داریم به اینستکس کمک کنیم و اگر شرایط مهیا شود منابع مالی در اختیارش بگذاریم.

معاون وزیر خارجه همچنین گفت: اینســـتکس یک صندوق خیریه نیست که اروپایی‌ها پول بریزند و برای ما کالا بخرند و درحال حاضر شـــش، هفت کشـــور در اینســـتکس سهام دارند. اما اینستکس صندوق خیریه نبود. قرار بود بتوانیم جنس به اروپا بفرستیم. منابع مالی در این مجموع بیاید و از این مجموعه بتوانیم جنس بخریـــم و برعکس، آنها هـــم بتوانند منابع مالی را تغذیه کرده و با ما تجارت کنند. مسیری دو طرفه بود. برای شروع کار، اروپایی‌ها مبلغی گذاشتند. قرار بود این شروع کار برای تجارت باشد.

این ســـخنان در حالی است که دو ســـال از وعده اروپا درباره راه‌اندازی کانال اینستکس می‌گذرد اما در عمل هیچ اتفاقی نیفتاده است.

معاون اقتصادی وزارت خارجه در بخش دیگری از این گفت‌وگو اظهار داشت: ما مجری سیاست خارجی اعم از تجارت و سیاست هستیم. در واقع نقش مهم ما این است که بتوانیم هم تجربیات کشورهای دیگر را به دولت و وزارتخانه‌ها عرضه کنیم و هم نظراتمان را برای بهتر شـــدن کار ارائه دهیم تا این را به تصمیم تبدیل کرده و خودمان همان تصمیم را اجرا کنیم. وزارت امور خارجه نقش بسیار موثری در هدایت و جلب توجه دولت به ظرفیت‌های منطقه داشت. اقتصاد ایران این‌طور بود که نفت را به شـــرق می‌فروختیم و از غرب جنس می‌آوردیم و تمام، اما اکنون چین و هند، کره، ژاپن حتی سریلانکا، ویتنام، تایلند، آمریکای لاتین و اروپا همه در تجارت خارجی ما آمدند. موفق شدیم دو کار انجام دهیم،در همه اقتصادهای بزرگ دنیا تجارت با همسایه‌ها در اولویت است و یکی از ظرفیت‌های کشورهاست. ما در تجارت خارجی‌مان برای منطقه اصلا ارزشـــی قائل نبودیم. امروز شاهد هستید که تجارت با منطقه از اولویت‌های دولت اســـت که جزء موفقیت‌های ماست. کشاندن تجارت به شرق، امروز بیش از ۷۰ درصد تجارتمان با شرق و همسایه‌هاست که ما در این کار نقش داشتیم. اظهارات انصاری در حالی است که اغلب کارشناسان اقتصادی و دیپلماتیک معتقدند وزارت خارجه و معاونت اقتصادی آن به اعتبار معطلی بیش از حد در برجام، نتوانســـته ظرفیت‌های اقتصادی دیپلماتیک کشور برای دور زدن تحریم‌ها را به شکل شایسته احیا کنند.

## عضو حزب منحله مشارکت تقصیرها را گردن روحانی انداخت

عضو حزب منحله مشارکت می‌گوید: اشتباهات دولت موجب شده تا به وضعیتی بدتر از سال ۹۰ و ۹۱ برگردیم.

مصطفی تاج‌زاده که معمولا به توجیه ناکارآمدی‌های جریان لیبرال می‌پردازد، به روزنامه همدلی گفته اســـت: یکی از علل افزایـــش نارضایتی مردم و ناامیدی از اصلاح‌طلبان، اشـــتباهات آقای روحانی در دوره دوم ریاســـت‌جمهوری از جمله در چینش همکاران و مدیران ارشـــد و انتخاب برخی افراد ضعیف یا حاشیه‌دار و قطع ارتباط عملی با هواداران و بدنه اجتماعی حامیان و رها کردن آنها، عدم پیگیری فعال وعده‌های سیاسی خود به‌گونه‌ای که این برداشت را در قشرهایی ایجاد کرده است که وی فقط به رای آنها نیاز داشت و به همراهی و حمایت آنها نیاز ندارد.

وی می‌افزاید: «خروج ترامپ از برجام و اعمال تحریم‌های نفتی و بانکی وضعیت اقتصادی را عملا به شـــرایط دو سال آخر دولت احمدی‌نژاد برگردانده و به سقوط ارزش پول ملی و افزایش جهشی قیمت بسیاری از کالاها و خدمات، همانند سال‌های ۹۰ و ۹۱ و بلکه بدتر از آن انجامیده است».

این اظهارات فرافکنانه در حالی اســـت که ائتلاف مدعی اصلاحات و اعتدال در تبلیغات انتخاباتی ادعا می‌کرد «به عقب برنمی‌گردیم». از ســـوی دیگر تلاش برای متهم کردن دولت و تبرئه افراطیون مدعی اصلاح‌طلبی در حالی است که دولت نوعا به ایده‌های سراب‌آلود شبه‌اصلاح‌طلبان عمل کرده و دنبال آدرس‌های غلطی رفته که همین طیف داده‌اند.

گفت و شنود

## کجا میری؟!

گفت: تازه چه خبر؟!

**گفتم: شـــبکه تلویزیونی فاکس‌نیوز متعلق به پنتاگون و حامی ترامپ به ســـرنگون‌کردن و آتش‌زدن مجسمه‌های بنیانگذاران آمریکا و مخصوصاً جرج واشـــنگتن توســـط مردم معترض به نژادپرســـتی و نظام سرمایه‌داری به شدت اعتراض کرده است!**

گفت: حالا چرا از آتش زدن مجســـمه جرج واشـــنگتن بیشتر عصبانی شده‌اند؟!

**گفتم: فاکس نیوز می‌گوید او اولین رئیس‌جمهور این کشور و معروف به پدر آمریکاست!**

گفت: بقیه آنهایی که مجسمه‌شان را سرنگون کرده و سوزانده‌اند هم مثل جرج واشنگتن اشغالگر و غارتگر و آدمکش بوده‌اند.

**گفتم: باغبانی وارد باغش شـــد و دید پسربچه‌ای روی درخت زردآلو نشســـته و مشغول خوردن است. سرش داد کشید که الان می‌روم و به بابات شکایت می‌کنم و داشت از باغ خارج می‌شد که پسر بچه پرسید کجا میری؟ بابام روی درخت سیب نشسته!**

نکته

## کاربلدها و اُملت برنارد شاو!

**۱- «برنارد شاو» نمایشـــنامه‌نویس برجسته ایرلندی که به شـــوخ طبعی‌های عالمانه شهرت دارد در محفلی از یک تابلوی نقاشی ایراد گرفته و آن را نقد کرد. نقاشی که تابلو از آثار او بود از نقد برنارد شاو برآشفت و به او گفت: شما که در همه عمرتان حتی یک تابلوی نقاشی هم خلق نکرده‌اید، چگونه به خودتان اجازه می‌دهید تابلوی مرا نقد کنید؟! برنارد شـــاو در پاســـخ گفت: من طعم و مـــزه اُملت را خیلی بهتر از مرغ درک می‌کنم درحالی که در تمام عمرم حتی یک بار هم تخم نگذاشته‌ام!**

**آقـــای جهانگیری، معاون اول رئیس‌جمهور در نشســـت با مدیران ارشـــد وزارت جهاد کشـــاورزی فرموده‌اند: «کشور از مجموعه مدیریتی توانایی برخوردار اســـت امـــا برخی افراد قیـــاس به نفـــس می‌کنند و ایـــن موضـــوع را حرفی گزاف می‌پندارند و تصور می‌کنند که چون خودشان توانایی مدیریتی ندارند، مدیران کشـــور نیز توانمند نیستند»! درباره اظهارات جناب جهانگیری گفتنی است؛**

**